



بنام کردستان بزرگ

Under Name of Great Kurdistan

دوستان عیب کنندم که چرا دل به تودام!
باید اول به توگفتن که چنین خوب چرایی؟

کرد

سخنرانی: پروفیسور: مینورسکی

سال 1915

مترجم: حبیب اله تابانی

گرد آورنده: سرهنگ چیا

زبان، ادبیات و خط

زبان کردی از ریشه آریایی است، آنچه مسلم است این که زبان کردی ترکیبی از زبانهای ایرانی و افغانی و بلوچی بوجود آمده است و زبان کردی فارسی نیست که به کردی تبدیل شده باشد، بلکه زبانی است مستقل که قواعد و قوانین و لهجه های مخصوص به خود را دارا است و رابطه اش با زبان فارسی مثل زبان صربی و روسی و یا بهتر بگوئیم مثل ارتباط زبان آریایی سویی سی های کوهستانی است با زبان ایتالیایی. زبان کردی پیوند صریحی هم با زبان اوستا دارد و کتاب ((اوستا)) کتاب مقدس زرتشتیان هم به این زبان نوشته شده است.

این نظریه هم هست که زبان کردی مثل بیشتر زبانهای تازه ایرانی، قسمت ارکان خود را از زبان ((مادی)) قدیم گرفته باشد که البته منظور از ماد همان قومی است که بر ایران قدیم حکومت رانده است.

زبان کردی به لهجه های زیادی تقسیم شده است:

1- لهجهء زبان سفلی که از لهجه های کرمانشاهی قدیم و سنندج و.... بوجود آمده است.

2- لهجهء شرقی یا لهجهء سلیمانیه و سابلاغ یا مهاباد.

3- لهجهء غربی که این لهجه تقریباً در تمام کردستان پراکنده سده است.

فارسی امروز	اوستا یا مادی	کردی
روز	روژ	روژ
شد	بوت	بو
دختر	کنیزک	کنیشک
زود باش	زوت بای	زوبه
ماهی	ماسیا	ماسی

کردهای شرقی و غربی، زبان خود را ((کرمانجی)) می گویند. در عین حال که ساکنان مناطق دیگر هم به لهجهء شرقی صحبت می کنند و از روی مکالمه و صدا به خوبی زبان خود را حفظ کرده و آزمایش شدید با زبانهای دیگر جلوگیری نموده اند. از نشانیهای فرق بین لهجه های غربی و شرقی بیان صفت دستوری به صورت باز و گشاده از طرف شرقی در مقابل غربی است، مثلاً وقتی می خواهند کلمهء نمی دانم را بیان کنند، شرقی ها می گویند: (من نازانم) در حالی که غربی ها به کلمهء: (نازانم) اکتفاء می کنند.

این تفاوت ها در لهجهء غربی بیستر مشخص اند، حتی در سلام کردنشان هم هیچ فرقی به نظر نمیرسد، زیرا چنانکه گفته شد از یک ریشه اند. ادبیات ملی یا فولکلور در میان کردها بسیار غنی است. داستان ها و سرگذشت های ملی اصیل و مخصوص به خود بسیار دارند. از جمله قهرمانی های مقاومت در قلعهء "دم دم" (قلعه ای است در قسمت سفلی ارومیه حوالی حوضهء رواندوز) در برابر شاه عباس

صفوی. کرد های با ذوق و علاقه مند برای آن واقعه ترانه هایی سروده اند که یک پارچه شور و حماسه و قهرمانی است. یا ادبیات شورانگیز: (مم و زین) که داستان قهرمانیهای یکی از پهلوانان ملی کردها به همین نام است و سینه به سینه و نسل به نسل نقل شده و می شود.

مم و زین دلباخته همدیگر بوده اند. مم براساس رسوم اجدادی و آداب قومی قادر به رسیدن به وصل معشوق نیست. امیر "بوتان" که برادر "زین" است. به این عشق پی می برد. مم را به زندان میافکند ولی از ترس قیام ملت او را بعد از چندی آزاد و با ازدواج با "زین" موافقت می کند.

ولی قبل از این وصلت "مم" در فراق "زین" معشوقش می میرد و "زین" هم که این مصیبت را نمی تواند تحمل کند به معشوق می پیوندد. هر دو را کنار هم دفن می کنند و بر آرامگاه عاشق و معشوق گل ها می رویند و طبیعت از آرایش آن آرامگاه عاشقان مضایقه نمی کند.

هنر شعر و شاعری در کردستان گسترش فراوان دارد و اگر ما نمیتوانیم آثار شعرای کرد را بالاتر از شعرای اسلامی بدانیم به خاطر کمبود تحقیق در زبان و ادبیات کردی است، نه ضعف مقام شعری شعرای کرد.

هشت نفر از شعرای قدیمی کرد بسیار معروف و مشهورند: (نظریه ژابا پترسبورگ سال 1760 صفحه 7 ت 11. به زبان روسی) مولف. کهن ترین اثر از ملای "حزیره" است که مربوط به قرن پانزدهم میلادی است. "هارتمان" در سال 1904 در آلمان با چاپ سنگی، آثار این شاعر را منتشر کرده است، هر چند این مستشرق نتوانسته است شخص مطلع و کاردانی را در این باره پیدا کند تا بتواند این دیوان را ترجمه نماید. آنچه که مربوط به زمانهای نزدیک ما است، سلیمانیه مرکزیت شعری کرد را پیدا کرده و شعرای بزرگ چون "نالی" را در آغوش خود پرورش داده است. ما هم برای آشنایی بیشتر خواننده این سطور با شعر کردی، دو نمونه شعر زیر را از این شاعر انتخاب کردیم که از نظرتان بگذرانیم:

زولفت له قه دت دا که په ريسان و بلاوه
(زلفت که براندامت پیچیده و پریشان است)

ته مروله ملی شیفته ئالوزوبلاوه
(امروز بر گردن شیفته ات تابیده و پریسان است)

بوچی نه گریم سه دکه رتم دل ده شکینی
(چرا نگریم که صد بار دل مرا می شکنی)

هه ی بوچ به ری شوشه که سه لالاوه شکاوه
(می به کجا می بری وقتی که جام از صد طرف شکسته است)

هه ر چه نده که روتم به خودا مایلی روتم
(هر چند که بی چیزم ولی به خدا عاشق رخسار توام)

بی به رگیه عیلت که هه تیو مه یلی هه تاوه
(دلیل اینکه یتیم آفتاب را آرزو می کند، نداشتن پوشش کافی است)

اینهم نمونه ای از اشعار عامیانهء کردی:

ئای لیلی "عه یشان" چیاکان به رزن و ناتوانم بت بینم
(ای لیلی عیشان، کوهها مرتفعند و نمی تاونم تر ببینم)

چه نده م حه زئه کرد به دهستی خوم یاریت پیئ نکه م
(چقدر آرزو داشتم که با دستان خودم یاریت می کردم)

که س نیه له دنیا یه دا له تو بچیت
(در این دنیا کسی نیست که شباهت ترا داشته باشد)

سنتورئک دروست ءه که م چوارده تالی هه بی
(سنتوری خواهم ساخت که چهارده رشته سیم داشته باشد)

له بی سقانی چوله که سنتوریک دروست ءه که م
(از استخوانهای گنجشک سنتوری خواهم ساخت)

تاله کانی له پلکه کانی قژی بوکی دروست ئه که م
(تارهای آن را از تارهای گیسوی حروسی خواهم ساخت)

نای له لی "عه یشان" تو پاشای خوم و دلمی
(ای لیلی عیشان تو سلطان من و قلب منی)

.....

بالیم بپرسی: ئه وه چیتته؟ کوپاشا؟ تو چاو وگنجیه تیمی
(بگذار از من بپرسد که ترا چه می شود؟ سلطانت کو؟ تو دیده و جوانی منی).

در نوشته های اسکارمان (شیوه های زبان کردی) آمده است که سبک و آهنگ این ترانه یکی از ترانه های اسپانولی را به خاطر می آورد. **مولف**.

صرفنظر از منتقدان ایراد گیر، گفتهء پوشکین را دربارهء ترانه های قفقازی یاد آور می شویم: بگذار در بدترین شرائط و حالت از آشعار شعرای کرد، صحبت کنند و بگویند (این آشعار شرقی است و معنی ندارد ولی تا اندازه ای محتوای شعری دارد!).

چیزی که روشن است اینکه ادبیات عامیانهء کردی غیر از این نوشته های بچگانه است که تازگی ها در تعدادی از روزنامه ها بنام (**سرودهء کردی**) منتشر کرده اند.

آنچه قابل ذکر است این است که لهجهء : گورانی در کردستان جنوبی یکدورهء اعتلا را می گذراند و کاملاً بر زبان فارسی تسلط یافته است.

این لهجه از زبان کردی که خصوصیات مخصوص بخود را دارد، برای بعضی ها این اعتقاد را حاصل کرده است که از لهجه های زبان کردی نیست. در حالی که با این لهجه افسانه ها و داستانهای شرقی بسیاری نوشته شده است. نسخهء خطی **لیلی و مجنون و خسرو و شیرین و خورشید و خاور** و تعدادی دیگر از این افسانه ها توسط سیاح انگلیسی "**ریچ**": (مجموعهء ریچ جزو دست نوشته های موزهء بریتانیا درلندن).

در اوائل قرن گذشته جمع آوری و در موزهء بریتانیا گذاشته شده است و نگارنده: (**مینورسکی**) نیز در 1914 تعدادی دست خط تازه این افسانه ها و افسانه های دیگر را هم بدست آورده ام.

اولین روزنامهء کردی ((**کردستان**)) نام داشت که در سال 1898 در **قاهره** منتشر شد: (اولین شمارهء این روزنامه را در کلکسیون روزنامه های آموزشگاه مردم آسیا، وابسته به آکادمی علوم سوسیالیستی لنینگراد پیدا کردم. که در چهار برگ منتشر شده است با یک موخره به زبان فرانسه مثل تبلیغات برای روزنامه. مدیریت این روزنامه با "**مدحت بدرخان**" بوده که در 22 نیسان 1898

منتشر شده است.) م . خ

و بعد در **حنیف** انتشار یافت. البته در آنجا هم توسط: **عبدالرحمان، پسر بدرخان** منتشر می گردید.

دومین روزنامه پس از ان انقلاب ترک (وسیلهء مصطفی کمال پاشا) "**آتاتورک**". توسط **شیخ عبدالقادر** انتشار یافت که البته دیری نپایید. بعدها مجمعی از کردها که از دانشجویان و روزنامه نگاران تشکیل می یافت بنام جمعیت: ((**هیوای کرد**)) یا امید کرد، دست به انتشار روزنامه ای زدند به نام: ((**روزگار کرد**)) که بصورت ماهانه منتشر می شد: (در باره این نشریه تحقیقی از طرف "**س.م. شاپشال**" در کنگره شرق شنا- سان روس صورت گرفته که در صفحه 233 آن نوشته شده است: این نشریه برای اولین بار در سال 1913 انتشار یافت.) این روزنامه آشکارا جنبهء سوسیالیستی داشت و در روی جلد آن عکسی از مردان بزرگ کرد، مثل صلاح الدین ایوبی و کریم خان زند و آثاری از ملیت کرد چاپ می شد و در داخل منطقهء کردستان پخش می گردید و نیز طرح جدیدی برای الفبای زبان کردی ارائه داد.

در سال 1914 نام نشریهء خود را به: ((**هتاوی کرد = آفتاب کرد**)) تغییر دادند که در تعداد بسیار گسترده ای پخش شده است. من خود راجع به این نشریه در منا- طق دور دست مثل سلیمانیه چیزهایی شنیده ام و امرای کرد و روشنفکران آنها هم ارزش فراوانی برای فعالیت های ناسیونالیستی آن نشریه قائل بودند.

مسیونرهای مسیحی پروتستان نیز به کمک جمعیت آلمانیها درمهاباد در آغاز جنگ جهانی اول نشریهء کوچکی به نام کردستان منتشر می کرده اند: (شماره اول این نشر- یه که پیش من "**مینورسکی**" است در نیسان 1914 انتشار یافته است.) **مolf**. که در آن مقالات زیادی راجع به دستور زبان کردی را که از کتاب های "**اوسکارمان**" گرفته شده بود، درج کرده اند.

در باره قوم کرد بررسی زیادی شده و بخصوص در باره زبان کردها. برترین این تحقیقات، بررسی های ان دسته از روس هایی است که به کردستان آمده اند، مثل: **بارون بودی، ف.ف مایفسکی. پ. آلومیلوف، چریکوف:** (یاد داشت های روزانهء نماینده روس

در مرزهای ایران و ترکیه (1849 م 1852) به سرپرستی "**کامازوف**". این یاد داشتها در پیتربورگ انتشار یافته است. کتابی بی نظیر و نایاب است. من: (**مینورسکی**) معتقدم که که تجدید چاپ و

انتشار این کتاب از کارهایی است که لازم و قابل افتخار است، زمن اینکه باید دانست که این تحقیق هنوز تازگی و ارزش خود را حفظ کرده است. **مولف. و خاینکوف، ک. ن سمیرنوف ماکسیموتیچ.** و عده زیادی دیگر که البته ما با اطمینان می توانیم بگوئیم بیشتر این بررسی ها در باره کردهای روسیه است.

در سال 1787 آکادمی علوم (پالاس) به فرمان ملکه کاترین کبیر امپراطور روس فرهنگی برای همه زبان ها و قواعد دستوری زبان های مختلف نوشتند که در این فرهنگ برای اولین بار در جمع زبان های دیگر 276 کلمه کردی هم آورده شده است.

جالب اینکه همانطوری که بارها در تاریخ علوم پیش آمد، انتشار این فرهنگ با یک کار دیگر هم زمان شد. بدینسان که در همان زمان (سال 1787) کتابی بنام دستور زبان کردی در روم، پایتخت ایتالیا، توسط (ماوریزیو گارزونی) که یک مسیونر کا-تولیک بود، انتشار یافت.

این دستور زبان کردی هم بدون هیچ ارتباطی با انتشار فرهنگ فوق الذکر، اولین کتاب در دستور زبان کردی بود که به زبان ایتالیایی نوشته می شد، نویسنده این کتاب دستور زبان کردی چنان که خود گفته است از هیجده سال قبل انتشار کتاب در "آمد" زندگی می کرده است.

با یک تفکر ساده میتوانیم ناراحتی های زندگی در یک صد و پنجاه سال پیش را در یک منطقه از کردستان مجسم کنیم، و از آن ارزش خدمتی را که "گارزونی" با این کار به ملت کرد کرده است بدانیم و او را بحق پدر محققین زبان کردی بشناسیم.

اما چگونگی بررسی های انجام شده بعدها چگونه تغییر یافت و مسیرهای دیگری پیدا کردند، مطلبی است که فقط به درد متخصصین و اهل فن می خورد. با این همه گاه حالاتی استثنایی پیش می آید که خارج از این حالت اختصاصی است، مثلاً قسمتی از آن اطلاعات و دانستنی های مربوط به کمدها که انتشار یافتند، در عالم تحقیق در شرق شناسی یک مقام والا و استثنایی پیدا کردند.

در قرن هیجدهم، مقداری اطلاعات تاریخی در باره کردها به دست آمد که قسمتی از آنها را انتخاب کرده ایم. در آن زمان که اطلاعات ما در این باره کم و آشفته

بود، استعدادها بیشتر صرف این شد که قسمت هایی از چگونگی زندگی کردها را روشن سازند و در این مورد نتیجه مطالعات خویش را انتشار دادند.

سیاحان انگلیسی با جدیت توانستند صورتی از اسما عشایر کرد را به دست آورند که قسمتی از دقیق ترین همین لیست ها به دست متخصصین و کارشناسان روسی افتاد. در سال 1828، در جریان جنگهای ایران و روس، ژنرال "سوختیلین" شهر اربیل را تصرف کرد و از جمله چیزهایی را که به یغما برد کتابخانه معروف صفویه بود. این کتابخانه به پطروگراد: (لنینگراد فعلی) منتقل شد. از جمله کتابهایی که از این کتابخانه منتقل گردید، کتاب ((شرفنامه)) بود.

در سال 1599 میلادی این کتاب را نویسنده خوانده و بازنویسی کرده، پس از تصحیح امضا هم نموده است.

دانشمندان آن روزگار ارزش این نوشته ها را به صورتی قابل تقدیر دانسته و از آن ها استفاده لازم را نموده اند. در اولین گام اکادمیسین ها (قیلیامیوف، زیره نوف) تمام نسخ فارسی آن را بی کم و زیاد منتشر ساختند و بعد یک اکادمیسین دیگر به نام (شارمو) کتاب را به زبان فرانسه ترجمه و در چهار جلد انتشار داد و تقریباً حیات خود را وقف این کار کرد: (شارمو برای این کار ترجمه و توضیح این نوشته ها، اقدام کرد، اما پس از مدتی برای دو سال از این کار دست کشید و سرانجام در 1868 موفق شد جلد اول این ترجمه را منتشر کند اما جلد چهارم در سال 1875 انتشار یافته است.) مولف.

منطقه (سمولینسکی) در جریان جنگ "قره قوم" عده ای اسیر ترک را در خوی جا داده بودند و در جمع همین اسرا عده ای هم کرد بودند. آکادمی علوم، یکی از محققین رابه نام "لیرخ" به میان آنها فرستاد و برای نخستین بار مقداری اطلاعات علمی را در باره آنها انتشار داد.

دو نفر دیگر که آنها هم روس بودند؛ به نامهای: (بیریزین و دیتیل) در دهه چهارم قرن گذشته به مناطق شرقی مسافرت کرده بودند و نیز دو نفر دیگر که کنسول روسیه بودند؛ به نامهای: (آ. خودزکو و آ. ژابا) بررسی های جالبی کرده اند.

خودزکو در پاریس با یک کرد روشنفکر برخورد کرده و با استفاده از او مقاله ای به زبان فرانسه نوشت که در گنجره آسیا در 1858 هم قرائت گردید. این مقاله درباره زبان سلیمانی یا شیوهی زبان کردی شرقی بود. "آ. ژابا" هم که از سال 1848 تا

1866 در منطقه **ارض روم** بوده، تحقیقات جالبی درباره لهجه های کردهای غرب به عمل آورده است.

عده ای از روشنفکران کرد هم دور **ژابا** جمع شده و او به کمک آنان یک فرهنگ کردی - فرانسه و نیز یک کتاب در باره چگونگی گویش به زبان فرانسه و کردی و سرانجام یک فرهنگ بزرگ کردی - روسی و فرانسه به شیوه علمی و دانشگاهی نوشته است. اما فقط دو نشریه اولی را منتشر کرد و دیگری دنباله کار اصلی و بزرگ بعدی را نگرفت.

این کار بزرگ در کمال خوشبختی ق افتخار تمامش به دست اینجانب: (**مینورسکی**) افتاد. بدینسان که در سال 1913 نوه های "**ژابا**" تمام دستنویس ها و یاد داشت های پدر بزرگشان را در اختیار من گذاشتند و من هم (**مینورسکی**) تمام توانایی هایم را به کار خواهم گرفت تا آنها را به انجام رسانده و چاپ کنم.

بعدها **پروفسور "یگیازارف"** در باره کردهای روسیه در منطقه "**اریگان**" در دهه هفتاد قرن گذشته، مطالبی نوشته و تحقیقاتی به عمل آورده است. موضوع قابل توجه اینکه "**یگیازارف**" از همان کودکی به زبان کردی آشنا بوده و با آن زبان صحبت می کرده است و به همین علت توانسته مطالب بسیاری را دانسته بنویسد.

نوشته ها و تحقیقات آن دسته از روسها که درباره کردهای خارج از منطقه نوشته اند، مورد قبول اند. بعلاوه تمام کارهای دانشمندان آلمانی هم مثل: (**یوستی. پریم سوتسین**) و نیز آثاری که: (**ماکاشی**) بصورت نا برابر نوشته است همه، یعنی تمام آن اطلاعاتی که در باره کردها بدرد بخور بوده اند، در آکادمی علوم ما: (**روسیه**) چاپ و در **پتروگراد** نگهداری شده اند.

مطلب شایان توجه اینکه در روزگاری نه چندان دور [، در **آلمان** کوششی شد تا آنمجموعه اطلاعات راجع به کردها را که پیش ما است، بدست خود گیرند.

زمانی (**اوسکارمان**) دانشمند آلمانی به کمک امپراتور آلمان به مدت چهار سال در زمین های کرد و فارس دست به سیاحت زد و مطالبی جالبی در باره کردها نوشت و جمع آوری کرد. اما آیا این فعالیت ها و توجهات نسبت به کردها دخالت در امور و مسائل آنان نبوده است؟ این خود مسئله ای است قابل بحث.

تازه ترین نوشته در این مورد جدول کردی از (سون) انگلیسی بود که در سال 1913 انتشار یافته است، کتاب با ارزشی است و نویسنده اش بصورتی ظاهری (یا پنهان) اسلام آورده و مدتها مخفیانه به نام میرزای فارسی در کردستان جنوبی می زیسته است.

در این زمان (ئوروبیلی) در دانشگاه پتروگراد خود را آماده یاد گیری زبان کردی می کند. ما هم امیدواریم این امر سبب تشویق و تجدید حیات اهبری روسیه در امر مطالعه و تحقیق در بارهء کردشناسی گردد.

Chia.rabii@yahoo.com

2010-01-20

مالمو سوئید

.... ادامه دارد

مذهب و آیین کردها